

بسم الله الرحمن الرحيم

هویت‌شناسی مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری

در گفتگو با دکتر سید ابوالقاسم نقیبی

(جلسه اول)

دکتر مهدی ساعتچی: انسان تنها در پرتو خودآگاهی نسبت به هویت خویش است که می‌تواند به درستی گام بردارد و به اهداف خویش نائل شود. بالتبع این واقعیت در مورد نهادهای انسانی نیز جاری است، به ویژه نهادهایی که با عالی‌ترین فعالیت‌های انسانی سروکار دارند، یعنی نهادهای علمی و پژوهشی. مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری (مدرسه سپهسالار) یکی از ریشه‌دارترین مؤسسات علمی کشور است که تا کنون به گونه‌ای شایسته به هویت‌شناسی آن پرداخته نشده و جنبه‌های مختلف حیات تاریخی، گستره تأثیرات و ظرفیت‌های هویدا و نهفته آن به خوبی واکاوی نشده است. بی‌شک نگاه به آینده این نهاد علمی، تنها در پرتو شناخت دقیق و مستند پیشینه آن میسر است. اینک که در آستانه سده جدید خورشیدی، به ۱۳۵ سالگی این نهاد تاریخی نزدیک می‌شویم، بر آن شدیم تا گامی در این راستا برداریم.

بدین منظور گفت‌وگویی تفصیلی با دکتر سید ابوالقاسم نقیبی دانشیار گروه فقه و حقوق مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری ترتیب داده شد. ایشان از دانش‌آموخته‌های مدرسه عالی و از سابقه‌دارترین شخصیت‌های علمی و اجرایی این مؤسسه هستند و پیش از این نیز کتابی در تبیین تاریخچه مدرسه تألیف نموده‌اند.

متن ذیل بخش اول این گفت‌وگو است که به تدریج تکمیل خواهد شد.

* آقای دکتر با عنایت به اینکه جنابعالی در زمینه تأسیس و تحولات مدرسه عالی شهید مطهری کتابی نوشته‌اید اجازه بفرمایید از مبدأ پیدایش مدرسه عالی سوالات را شروع کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم؛ قبل از پاسخ به سوالات جنابعالی لازم می‌دانم از تلاش‌های علمی و آموزشی اساتید محترم، طلاب و دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی، کارکنان معاونت آموزشی در تهران و واحدهای تابعه به جهت انجام یک ترم تحصیلی متفاوت آموزش غیرحضوری صمیمانه تشکر کنم.

بعد از تألیف کتاب تأسیس و تحولات مدرسه عالی شهید مطهری و چاپ آن در سال ۱۳۹۷ به دنبال این بودم که مجموعه تجارب دورانی که طلبه و دانشجوی مدرسه بودم و همچنین تجارب مدیریتی و تأملات خویش در مورد مدرسه عالی شهید مطهری را به عنوان عضو هیئت علمی مکتوب کنم برخی از اسناد و مدارک را فراهم آوردم ولی توفیق پیدا نکردم الان ترجیح می‌دهم که

این هدف در فضای سلسله گفتگوهایی که به همت جنابعالی که بحمدالله از دانش آموختگان موفق دوره دکتری کلام و از اعضای هیئت علمی مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری هستید تحقق پیدا کند.

مبدأ پیدایش مدرسه عالی شهید مطهری وقفنامه‌ای است که به دستور میرزا حسین سپهسالار (واقف) تنظیم شده است. تاریخ تدوین آن وقفنامه هفتم ماه شوال المکرم سال ۱۲۹۷ قمری است. این وقفنامه در ۷۹ صفحه تدوین شده است. همچنین مدرسه دارای یک وقفنامه مختصر است که در کتیبه صحن مدرسه از قسمت بدنه راست جهت غربی شروع و به بدنه چپ طرف غربی منتهی می‌شود و در معرض دید طلاب و عموم مراجعه‌کنندگان قرار دارد. بنابراین وقفنامه مفصل مقدم‌ترین و مهم‌ترین سند مربوط به مدرسه عالی و مهم‌ترین منبع هویت‌شناسی مدرسه عالی است البته در کنار اسناد دیگر مانند اساسنامه‌ها و همچنین فعالیت‌های علمی و تربیتی مدرسه عالی در طول تاریخ و در نهایت انبوه دانش‌آموختگان، آثار و کارکردهای آنان و بنای باشکوه مدرسه عالی از منابع هویت‌یابی و هویت‌شناسی مدرسه عالی است.

*** اسناد دیگری که مؤثر در شناسایی هویت مدرسه عالی باشد وجود دارد؟**

بله اسناد بالا دستی وجود دارد. یکی از این اسناد مهم قانون ماده واحده تعیین ارزش تحصیلی فارغ‌التحصیلان است که در سال ۱۳۴۹ به تصویب مجلس سنا و شورای ملی رسیده است که معرفّ جایگاه برجسته تحصیلات و فارغ‌التحصیلان مدرسه عالی است. این سند معرفّ منشأ قانونی است. یعنی عالی‌ترین مراجع قانونگذاری کشور نسبت به ارزش‌گذاری تحصیلات این مدرسه عالی مبادرت به قانونگذاری کرده است.

*** ماده واحده متضمن چه مفادی است؟**

ماده واحده مقرر می‌دارد: «ارزش تحصیلات فارغ‌التحصیلان مدرسه عالی سپهسالار برحسب دوره‌هایی که طبق مقررات به اتمام رسانیده‌اند به پیشنهاد شورای مدرسین مدرسه توسط مراجع قانونی، وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و آموزش عالی تشخیص و تعیین می‌شود.»

*** به نظر شما این ماده واحده هنوز از اعتبار قانونی برخوردار است؟**

بله این ماده واحده از منظر حقوقی در زمینه شناسایی ارزش‌گذاری تحصیلات مدرسه عالی از ناحیه وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم از اعتبار برخوردار است و نسخی صورت نپذیرفته است. صدور مدارک مقاطع تحصیلی از ناحیه دو وزارت مذکور به پشتوانه همین ماده واحده است. یاد می‌آید بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ یکی از درخواستهای طلاب این بود که به آنها مدرک معتبر وزارت علوم اعطاء شود و صدور مدرک برای دانش‌آموزان نیز قبل از تصویب اساسنامه دبیرستان‌های علوم و معارف اسلامی از ناحیه شورای عالی آموزش و پرورش براساس همین ماده واحده بوده است.

*** مهم‌ترین دستاورد این قانون برای مدرسه عالی سپهسالار آن زمان چه بود؟**

در آن زمان مهمترین دستاورد، امکان سنجش تحصیلات حوزوی و ارزش‌گذاری آن از ناحیه دو وزارتی بود که مرجع قانونی سنجش آموزش کشور به شمار می‌آمدند. این یک مزیت قانونی برای یک مدرسه علمیه بود. فکر می‌کنم هیچ مدرسه علمیه دیگری از این مزیت برخوردار نبوده است.

*** به نظر شما این ماده واحده پیام دیگری نیز داشت؟**

به نظرم مهمترین پیام این ماده واحده ناظر به رابطه و نسبت محتوای آموزشی و نظام تحصیلی مدرسه عالی با محتوا و نظام آموزشی حاکم بر آموزش و پرورش و آموزش عالی آن زمان بوده است.

*** آیا برنامه و نظام تحصیلی خاصی برای مدرسه طراحی شده بود که سنجش تحصیلات را تسهیل کند؟**

قبل از تصویب این ماده واحده، اساسنامه‌ای برای مدرسه عالی سپهسالار تنظیم و از ناحیه تولیت یعنی سلطان وقت (پهلوی دوم) در سال ۱۳۴۸ ابلاغ شده است. چون طبق وقفنامه، سلطان وقت تولیت مدرسه را به عهده دارد لذا از ناحیه وی ابلاغ شده است. این سند نیز از اسناد بالا دستی مهم است که اولین اساسنامه مدرسه عالی است که به تاریخ ۱۳۴۸/۱۰/۱۰ در سربرگ وزارت علوم و آموزش عالی با شماره ۹۰۹۳ به عنوان دفتر امور پارلمانی نیز ثبت شده است. بنابراین پس از تدوین و ابلاغ اساسنامه مذکور آن ماده واحده تصویب شده است.

در ماده ۶ این اساسنامه آمده است تحصیل در مدرسه عالی سپهسالار مشتمل بر ۳ دوره به شرح زیر خواهد بود:

۱- دوره مقدماتی علوم دینی

۲- دوره مدرسی علوم دینی

۳- دوره تخصصی

شورای مدرسین می‌تواند برای طلاب هر دوره رشته‌های اختصاصی نیز ترتیب بدهد.

در ماده ۷ این اساسنامه آمده است: «مدت دوره‌های مقدماتی شش سال و دوره مدرسی چهار سال و دوره تخصصی از ۴ تا ۶ سال خواهد بود. شرط ارتقاء به دوره بالا منوط به داشتن گواهینامه دوره قبلی خواهد بود.»

مفاد و محتوای دوره‌ها کاملاً حوزوی بوده است ولی نظام تحصیلی بر پایه سه دوره تعریف شده است. طراحی سه دوره امکان سنجش تحصیلات را فراهم می‌آورد.

*** اکنون این اساسنامه نیز از اعتبار حقوقی برخوردار است؟**

خیر، این اساسنامه برای ما، اکنون ارزش تاریخی دارد چون با تصویب اساسنامه مدرسه عالی از ناحیه شورای عالی انقلاب فرهنگی این اساسنامه منسوخ شده است. با این وجود، این اساسنامه در زمینه هویت‌یابی مدرسه عالی از منظر تاریخی بسیار مهم به شمار می‌آید.

*** این دوره طراحی شده تنها برای ارزشیابی تحصیلی طلاب مدرسه عالی سپهسالار بود؟**

طراحی اولیه برای سنجش تحصیلات مدرسه عالی سپهسالار بود ولی بعداً دانایی طلاب دیگر نیز مورد سنجش قرار می‌گرفت. براساس آزمون‌ها و امتحانات و ضوابطی تصدیق دوره مدرسی به فضایی که می‌خواستند در مدارس عالی و دانشگاه‌ها یا آموزش و پرورش فعالیت کنند اعطاء می‌شد.

*** به نظر شما چه اهدافی در زمینه این ارزش‌گذاری تحصیلات مدرسه عالی سپهسالار از ناحیه وزارت آموزش و پرورش و وزارت آموزش عالی آن زمان وجود داشت؟**

عوامل متعددی در اتخاذ این رویکرد از ناحیه رژیم پهلوی مؤثر بوده‌اند شاید یکی از آن عوامل مقابله با نفوذ روزافزون اندیشه‌های مارکسیستی در ایران و اقدامات عملی گروه‌های چپ ضد رژیم پهلوی بوده است و عامل دیگر تربیت نیروی انسانی همگرا با رژیم برای مناصبی چون قاضی در محاکم شرع، کارمند در سازمان اوقاف، معلم دینی و عربی در مدارس، مشاور امور اسلامی در خارج از کشور، مدرس علوم و فرهنگ اسلامی در مدارس عالی، افسر امور دینی، سردفتر ازدواج و طلاق و امثال ذلک.

*** شما اشاره‌ای به اساسنامه مدرسه عالی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی داشتید. این اساسنامه چه زمانی به تصویب رسید؟**

این اساسنامه در جلسات ۲۴۶ و ۲۴۹ مورخ ۷۳/۱۱/۱۸ و ۷۴/۲/۵ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. این اساسنامه بعد از وقفنامه و ماده واحده مهمترین سند بالا دستی است.

*** مهمترین شاخصه این اساسنامه که در زمینه هویت‌شناسی مدرسه عالی مؤثر است چیست؟**

ماده ۱ این اساسنامه مدرسه عالی شهید مطهری را مؤسسه‌ای آموزشی و پژوهشی دانسته که در رشته‌های علوم و معارف اسلامی فعالیت می‌کند و در ماده ۲ اهداف مدرسه عالی شهید مطهری را سه مورد دانسته است: الف) تربیت علما و روحانیان اسلام‌شناس و آگاه به مسائل و مقتضیات زمان و نیز تربیت محققان و افراد صاحب صلاحیت

ب) تحقیق در رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی

ج) تبلیغ و نشر علوم و معارف اسلامی.

بنابراین مدرسه عالی شهید مطهری یک نهاد علمی است که در زمینه آموزش، پژوهش و تبلیغ و نشر الهیات اسلامی فعالیت می‌کند. این مفاهیم به روشنی بر هویت این مؤسسه دلالت دارد.

*** یعنی مدرسه عالی شهید مطهری یک مرکز آموزش عالی در زمینه علوم اسلامی است؟**

درست است مدرسه عالی یک مرکز آموزش عالی است ولی تنها یک مرکز آموزش عالی نیست چون ماده ۳ این اساسنامه می‌گوید مدرسه عالی برای نیل به اهداف خود اقداماتی را با ایجاد و اداره دانشکده‌های وابسته و ایجاد و اداره دبیرستانهای وابسته در نقاط مختلف داخل و خارج از کشور به انجام می‌رساند. بنابراین گستره فعالیت آموزشی مدرسه عالی شهید مطهری علاوه بر آموزش عالی، شامل آموزش و پرورش نیز می‌شود.

*** به نظر شما رابطه و نسبت وقفنامه و دیگر اسناد بالا دستی مانند اساسنامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی چگونه است؟ در فرض مغایرت کدام مقدم است؟**

وقفنامه مهمترین سند در تأسیس و هویت راهبردی مدرسه عالی است. لذا در فرض مغایرت مقدم بر دیگر اسناد است به همین دلیلی در ماده ۵ اساسنامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است: مدرسه عالی تابع مقررات و آیین‌نامه‌های عام مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و برحسب مورد وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت آموزش و پرورش و نیز مقررات خاص وقفنامه خود است. در تبصره ۱ همین ماده آمده است: «در مواردی که مقررات و مصوبات با وقفنامه مدرسه مغایرت دارد مطابق وقفنامه عمل می‌شود».

*** براساس وقفنامه کسی که در مدرسه عالی تحصیل می‌کند طلبه است. بر طبق اساسنامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی دانشجو محسوب می‌شود. چگونه می‌توان بین این دو عنوان جمع کرد؟**

یکی از مهمترین مزیت‌های مدرسه عالی شهید مطهری جمع بین سنت آموزشی حوزوی و نظام آموزشی دانشگاهی است. جمع بین الزامات شرعی ناشی از وقفنامه که سندی بسیار مهم به شمار می‌رود با مقررات و آیین‌نامه‌های دانشگاهی. این جمع یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین اقدامات مدرسه عالی در مقام مهندسی طراحی و اجرای سرفصل دروس و منابع و همچنین طراحی و اجرای نهادها و ساختارهای مربوط است.

*** شما معتقدید که مدرسه عالی شهید مطهری بین سنت آموزشی حوزوی و نظام آموزشی دانشگاه جمع کرده است. این جمع در کجا بیشتر نمود دارد؟**

مهمترین بستر جمع سنت آموزشی حوزوی و نظام آموزشی دانشگاهی برنامه و سرفصل دروس دوره‌ها و رشته‌های تحصیلی است. یکی از مهمترین سنت‌های آموزشی در حوزه‌های علمیه شیعی آموزش معقول و منقول در عرض هم هست. این ویژگی مدارس علمی شیعی متأثر از تعلیمات اهل البیت علیهم السلام است. مفاد تعلیمات آنان هم مباحث نظری بود و هم مباحث عملی. هم جهان‌بینی توحیدی را تبیین می‌نمودند و هم شریعت را ارایه می‌کردند. در وقفنامه مدرسه نیز فراگیری معقول و منقول از الزامات تحصیل طلبه به شمار آمده است. بدیهی است در طراحی برنامه و سرفصل دروس باید این الزام شرعی و سنت آموزشی حوزه‌های علمیه شیعی ملحوظ می‌شد. از این رو، شما می‌بینید در برنامه و سرفصل دروس رشته فقه و حقوق اسلامی علاوه بر دروس فقه و اصول فقه، کلام و فلسفه نیز پیش‌بینی شده است. متون رسمی مدارس علمیه به عنوان منابع تحصیل پیش‌بینی شده است تا دانشجو تحصیلات خود را براساس مفاد و محتوا و متون تحصیلی حوزه‌ها به انجام رساند. این محتوی در قالب نظام نیم‌سال تحصیلی و واحد-ساعت در برنامه طراحی شده است. این دروس در کنار دروس دیگر مانند ۴۰ واحد تحصیلی حقوق تنظیم شده است تا دانشجو محتوا و مفاد معقول و منقول را با علم حقوق که یکی از شاخه‌های مهم علوم انسانی مرتبط با فقه

است فرا بگیرد. این رویکرد در تمامی رشته‌ها و همه مقاطع تحصیلی اعم از کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه بوده است.

*** تصور نمی‌کنید که دانشجویان این رشته در مقطع کارشناسی با حجم گسترده مباحث روبرو باشد؟**

در مقطع کارشناسی دانشجویان مسائل اساسی هر یک از علوم اسلامی را فرا می‌گیرند با آنها آشنا می‌شود. به عنوان مثال در رشته فقه و حقوق اسلامی یک دوره فقه را از شرح لمعه شهید ثانی که یک کتاب فقهی نیمه استدلالی است فرا می‌گیرد. یا یک دوره اصول فقه را با کتاب اصول فقه مرحوم مظفر می‌آموزد و در کنار آن دروس حقوقی مانند حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی و کیفری، حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی را فرا می‌گیرد. یک دوره فلسفه اسلامی را از بدایه الحکمه می‌آموزد و یک دوره کلام شیعی را از کتاب کشف المراد علامه حلی فرا می‌گیرد، فراگیری این حجم از دروس انصافاً از نظر کمی برای دانشجویان دشوار است. خود ما نیز این فرآیند را در مقطع کارشناسی طی کردیم ولی اگر دانشجویان با شناخت لازم و انگیزه کافی وارد این رشته شده باشند طی این مسیر برای وی با موفقیت ممکن است. در برخی از دانشگاه‌های بزرگ فعلی جهان نیز مانند دانشگاه فرایبورگ آلمان دانشجویان موظف هستند به شکل دو رشته‌ای تحصیل کنند. دانشجویان رشته دومی را برای خویش انتخاب می‌کنند در مدرسه عالی شهید مطهری دانشجوی منقول، معقول را نیز فرا می‌گیرند و دانشجوی معقول و فلسفه، منقول را نیز فرا می‌گیرند.

*** چه اشکالی دارد که حجم دروس و عناوین آن کاسته شود و فراغت از تحصیل آسانتر گردد؟**

اگر بپذیریم که ما به مفاد و محتوا و متون تحصیلی مدارس علمیه باید ملتزم باشیم و وقفنامه نیز ما را ملزم به فراگیری معقول و منقول می‌کند از طرف دیگر کارآیی تحصیلی در عصر ما نیازمند آشنایی با علوم مرتبط است باید برنامه آموزشی همانگونه که تدوین و اجرا شده است طراحی و اجرا می‌شود. از طرف دیگر ما با محدودیت سنوات تحصیل در مقطع کارشناسی روبرو هستیم و طولانی‌سازی زمان تحصیل در مقطع کارشناسی ممکن است مانع ذهنی برای برخی از داوطلبان تحصیل در مدرسه عالی شود، از این رو عدول از برنامه و سرفصل دروس به فروکاهیدن محتوای حوزوی می‌انجامد. راه حل این است که از داوطلبان، کسانی برای تحصیل در مدرسه عالی گزینش شوند که از استعداد لازم و انگیزه کافی برای تحصیل این محتوا و نظام تحصیلی برخوردار باشند.

*** در رشته تحصیلی فلسفه و حکمت اسلامی و فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی حجم دروس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در رشته فلسفه و حکمت اسلامی دانشجویان علاوه بر معقول، منقول یعنی فقه و اصول فقه را نیز فرا می‌گیرند. برخی از واحدهای مربوط به فلسفه غرب را نیز می‌آموزد. در دروس منقول متونی برای آموزش انتخاب شده است که از نظر حجم و تعداد واحدها متناسب‌تر است. چون رشته فلسفه و حکمت اسلامی برای خواهران اجرا می‌شود غالب دانشجویان دختر نیز در همین مقطع ازدواج می‌کنند و تعهدات ناشی از زندگی را نیز به عهده دارند.

ولی رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی به صورتی طراحی شده است که دانشجوی علاوه بر فلسفه و کلام اسلامی، منقول یعنی فقه و اصول فقه گسترده‌تر را می‌آموزد به نحوی که می‌توان گفت که در حدود واحدهای رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دروس مربوط را فرا می‌گیرد. تمامی متون حوزوی در فقه و اصول فقه را می‌خواند یعنی در حقیقت دو رشته را همزمان در قالب یک برنامه فرا می‌گیرد. معمولاً فراگیری همزمان دو رشته برای کسانی است که رتبه آنها در کنکور زیر صد باشد. این یک مزیت مهم علمی برای دانشجویان نخبه است. رشته فلسفه و کلام گونه‌ای طراحی شده است که کسانی که بخواهند رشته فلسفه و حوزه را همزمان طی کنند برنامه مذکور این هدف را برای آنها تحقق می‌بخشد. دروس حوزوی آنها در پرونده حوزوی آنها درج و در صورت تمایل و داشتن زی طلبگی که معاونت امور طلاب مرجع احراز آن است با درخواست دانش‌آموخته برای حوزه علمیه گزارش می‌شود. در صورتی که دانش‌آموخته این رشته بخواهد می‌تواند با طی دروس تکمیلی حوزوی، مدرک سطح ۲ حوزوی نیز دریافت می‌کند که کارآمدی مربوط خودش را در استخدام برخی مشاغل در سازمانها و نهادها دارد.

*** از منظر طلاب و دانشجویان در این رشته، حجم دروس زیاد است، چه تدبیری می‌شود اندیشه کرد؟**

تدبیر نخست این است که این رشته تحصیلی به درستی شناخته و شناسانده شود تا داوطلب با آگاهی و انگیزه، آن را در مرحله انتخاب رشته، انتخاب کند. این به عهده گروه آموزشی فلسفه و کلام است که با تعامل با مدیریت آموزش متوسطه این رشته تحصیلی را برای داوطلبان به ویژه دانش‌آموزان دبیرستانهای معارف تبیین کند. تدبیر دوم این است که واحدهای دروس منقول از نظر ساعت کاهش پیدا کند یعنی اگر ۲ واحد فقه براساس مقررات دو ساعت باید ارایه شود و ما ۴ ساعت اجرا می‌کنیم، آن را در همان ۲ ساعت ارایه کنیم. البته در این صورت، حجم کمی دروس را کاهش دادیم و در نتیجه برخی از مباحث فقهی یا اصولی خوانده نمی‌شود و عملاً به فروکاستن محتوای حوزوی رشته می‌انجامد. گروه آموزشی در این زمینه تدبیر کند، سرفصل دروس را بازخوانی کند و طرحی اجرایی پیشنهاد بدهد تا در شورای آموزشی مورد بررسی و تصویب قرار گیرد.

تدبیر سوم این است که برنامه به جای چهار سال در پنج سال اجرا شود. که غالباً طلاب و دانشجویان با افزایش سنوات تحصیلی موافق نیستند. به هر حال اگر یک دوره تحصیلی بخواهد در دوره پنج ساله اجرا شود گروه آموزشی می‌تواند برنامه را در طول دوره پنج ساله اجرا کند.

*** این تدبیر سوم برای نظام وظیفه دانش‌آموخته اشکالی ایجاد نمی‌کند؟**

اگر طلبه و دانشجو در همان سال پنجم فارغ‌التحصیل شود اشکالی ایجاد نمی‌شود چون همه دانشجویان تا انتهای پنج سال از معافیت تحصیلی برخوردارند ولی اگر مشروط شود یا واحدهایی را اخذ نکند و به سال بعد موکول شود ادامه تحصیل دانشجو نیازمند موافقت کمیسیون موارد خاص است.

*** برگردیم به مبحث پیشین و یک جمع‌بندی در زمینه هویت شناسایی مدرسه عالی از منظر اسناد داشته باشیم. جمع‌بندی شما از بررسی اسناد مهمی چون وقفنامه و اساسنامه مدرسه عالی و ماده واحده قانونی در زمینه ماهیت مدرسه عالی چیست؟**

همانگونه که عرض کردم مدرسه عالی برخاسته از سنت آموزشی حوزوی است لذا از منظر ماهیت شناسانه، اولاً و بالذات یک مدرسه علمیه است که علاوه بر ویژگی‌های عام هر مدرسه علمیه، دارای یک ویژگی‌های اختصاصی است. از ویژگی‌های اختصاصی این است که، تولید آن با سلطان عصر است و از یک نظام‌نامه تفصیلی مبتنی بر وقف برخوردار است. ویژگی دیگر آن این است که از کارآمدی تحصیلی برخوردار است. سیر تاریخی فعالیت‌های علمی و دینی آن در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که رویکرد کارآمدی عصری همواره در آن مورد توجه بوده است. در تمامی ادوار گذشته قبل و بعد از انقلاب این کارآمدی در تعامل با نظام آموزشی جدید تعریف می‌شد.

*** چه نشانه‌هایی از این رویکرد در گذشته دور دارید؟**

برای روشن شدن مطلب، نشانه‌هایی را یادآور می‌شویم. یکی از آن نمونه‌ها تغییر نام مدرسه از مدرسه علمیه ناصریه به مدرسه عالی سپهسالار است. این تغییر نام در دوره نیابت تولیت شهید آیت الله مدرس صورت پذیرفته است. این تغییر نام در مقطعی از تاریخ کشور صورت می‌گیرد که مراکز آموزش عالی با عنوان مدرسه عالی تسمیه می‌یافتند. مدرسه عالی آن زمان خود متضمن بار نظام آموزشی مدرن بوده است. تصور می‌کنم مرحوم شهید مدرس توجه به این مطلب داشته است. شاید انگیزه وی تربیت عالمان اسلامی آشنای با مقتضیات آن عصر در مدرسه عالی بوده است.

نمونه دیگر وقتی که سید العراقیین نائب التولیه شد دنبال تحول در مدرسه عالی بود، اعلام کرد که مدرسه عالی یک دانشگاه روحانی است یعنی دانشگاه تربیت روحانیان است.

یا در دوره رضاخان «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» که یک مرکز پژوهشی مدرن تلقی می‌شد در سال ۱۳۱۴ ق در مدرسه عالی سپهسالار فعالیتش را آغاز کرد یا در سال ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران تأسیس شد، دانشکده معقول و منقول آن در مدرسه عالی سپهسالار شروع به کار کرد. مدرسه عالی سپهسالار از یکصد و اندی سال قبل، مرکز تعامل با نهادهای جدید و مدرن پژوهشی و آموزشی بود. تأسیس و اجرای این نهادهای مستحدثه در مدرسه عالی حکایت از ظرفیت بسیار بالای استادان آن زمان در مواجهه با نهادهای آموزشی و پژوهشی نوپدید دارد، استادان بسیار بزرگی چون مرحوم سید محمد کاظم عصار، دکتر محمود شهبابی، دکتر بدیع الزمان فروزانفر و دیگران. استادان آن زمان، مواجهه سلبی مطلق با تأسیسات مدنی و آموزشی نوپدید نداشتند. چنانکه مرحوم عصار فقیه و فیلسوف بزرگ و مدرس بنام مدرسه عالی در تدوین قانون مدنی مشارکت داشت. قانون مدنی یکی از مهمترین قوانین کشور بشمار می‌آید که به بهترین وجه ممکن نگارش یافته است.

تأسیس و اجرای دانشکده معقول و منقول در مدرسه سپهسالار یک اتفاق نبوده است بلکه کسانی که در مقام تأسیس دانشکده معقول و منقول بودند از تربیت‌یافتگان حوزه علمیه بودند. آنها به خوبی می‌دانستند باید دانشکده الهیات را که یک تأسیس نوپدید است بر تنه درخت تنومند حوزه علمیه پیوند زد تا این

دانشکده با بهره‌گیری از سنت‌های آموزشی و منابع و استادان برجسته حوزه علمیه پرورش پیدا کند تا در نظام آموزش کشور هماهنگ و کارآمد جلوه نماید. آنان عالمانه و آگاهانه تأسیس و اجرای دانشکده معقول و منقول را با میراث کهن آموزشی پیوند زدند. بنابراین تراز تاریخی مدرسه سپهسالار این است که اولین دانشکده الهیات کشور در بستر ظرفیت علمی و تربیتی و مکانی آن ایجاد شده است. این در حقیقت مواجهه صحیح در بومی‌سازی نظام دانشگاهی در رشته‌های علوم و معارف اسلامی بوده است.

استادان مدرسه سپهسالار در آن زمان نیز با درایت کم نظیر بدون اینکه به ماهیت حوزوی مدرسه آسیبی برسانند دانشکده معقول و منقول را تغذیه علمی کردند. به بیانی مدرسه سپهسالار در سابقه دیرینه خویش مؤلف اولین دانشکده معقول و منقول است. بازتولید یک دانشکده در بستر علمی یک مدرسه علمیه یکی از کارهای مهم دهها سال قبل در این مدرسه بوده است. بنابراین محیط پیدایش و زیستی و بن مایه اولیه دانشکده معقول و منقول، مدرسه سپهسالار بوده است. البته بعدها به جهت خاستگاه منشأ در نظام آموزشی مدرن، به تدریج بعد از اینکه قوام پیدا کرد محل زیست خود را در کنار دانشکده‌های دیگر در محل دانشگاه تهران قرار داد. شاید بتوان دانشکده معقول و منقول آن زمان را با آن اساتید و محتوای حوزوی و رویکردهای تربیتی یک دانشکده حوزوی تلقی کرد.

نمونه دیگر از تعامل مدرسه عالی با وزارت علوم این است که در اول بهمن ماه ۱۳۴۹ق (۱۳۰۹ ش) نیابت تولیت مدرسه عالی و موقوفات آن رسماً به وزیران فرهنگ محول شد و این امر تا شهریور ماه ۱۳۲۲ ادامه داشت. ساختمان فعلی کتابخانه در دوره علی اصغر حکمت در همین دوره ساخته شد. غرض از یادآوری این نمونه‌ها، یافتن و نمایاندن هویت مدرسه عالی در تاریخ است چون همانگونه که اسنادی چون وقفنامه یا اساسنامه از منابع هویت‌شناسی بشمار می‌آید، فعالیت‌های مدرسه عالی در بستر زمان در قریب به یکصد و پنجاه سال نیز از مهمترین منابع کشف هویت این نهاد علمی و دینی است.

* تلقی شما از مدرسه عالی بسیار متفاوت از تلقیات رایج است. شما مدرسه را سازنده و مؤلف و تأثیرگذار می‌بینید در حالیکه برخی تعامل با تأسیسات نوپدید آموزش عالی در ایران را تأثیرپذیری و انفعال تلقی می‌کنند.

بله ما البته در مقام فهم این میراث از منظر هویت‌شناسانه هستیم. در مقام فهم و نقد فعالیت‌های مدرسه عالی از ابتدای تأسیس تاکنون، باید روشی علمی و کارساز اختیار کرد به نحوی که ما را به نقطه‌ای برساند که بشود گره از مشکلات باز کند و به کارایی بیشتر عصری آن منتهی شود. خوانشی از این میراث که به این هدف نیانجامد مدرسه عالی را به یک مدرسه حداقلی غیر تأثیرگذار در تولید علم اسلامی و انسانی، تربیت نیروی نظریه‌پرداز و کارگزار، فرو می‌کاهد.

* شما با این تلقی دنبال چه چیزی هستید؟

ما به دنبال تولید ادبیاتی در زمینه یک مؤسسه علمی و دینی هستیم که فعالیت آن در زندگی فردی و اجتماعی طلاب و دانشجویانش و جامعه و حکومت تأثیرگذار باشد. اگر ویژگی خاصی در نهادها و نظامات آموزشی نوپدید وجود دارد که در این مهم

مؤثر می‌افتد در نهاد و نظامات آموزشی اسلامی و بومی باید جذب و بازتولید شوند. این به معنای هضم نظام‌های آموزشی سنتی و بومی در نظام آموزشی مدرن نیست بلکه به معنای کارآمدسازی آن برای نیازهای عصری است. اینکه شما به کسی که در مقاطع سه‌گانه تحصیلی در مدرسه عالی تحصیلات داشته است، مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتر PH-D اعطاء می‌کنید به جهت نیازهای عصری جهت جذب دانش‌آموخته به عنوان کارشناس رشته مربوط در محیط کار و فعالیت است و اصولاً اجتناب ناپذیر است.

* علاوه بر وقفنامه و اساسنامه‌ها و تاریخ، منبع دیگری می‌تواند ما را به شناخت هویت مدرسه عالی دلالت کند؟

بله مطالعه در وقفنامه و اساسنامه‌ها و قوانین مربوط به مدرسه عالی و مانند آن مطالعه اسنادی است. ولی اگر بخواهیم با شیوه گردآوری اطلاعات میدانی برای شناخت هویت مدرسه عالی استفاده کنیم یکی از منابع مهم، هزاران دانش‌آموخته مدرسه عالی شهید مطهری هستند کمیت بالا و تنوع کارکردهای آنها در تولید علم و تاثیرگذاری در جامعه و حکومت، ما را به فهم و شناخت ماهیت مدرسه عالی دلالت می‌کند چون هزاران دانش‌آموخته در مقاطع مختلف تحصیلی اعم از برادران و خواهران، ثمرات شجره طیبه مدرسه عالی شهید مطهری هستند این ثمرات ما را به آن شجره دلالت می‌کنند «الثمره تدل علی الشجره».

در یک مطالعه روشمند علمی در زمینه شخصیت فردی و دانش و بینش و همینطور آثار علمی، فرهنگی و اجتماعی انبوه دانش‌آموختگان به ما می‌گوید که مدرسه عالی چگونه موسسه‌ای است یعنی ما می‌توانیم با روش حرکت از معلول به علت، اثر به مؤثر (برهان اِنّی) به هویت مدرسه عالی برسیم اگر ما بازه زمانی چهل ساله بعد از انقلاب اسلامی را محدوده زمانی جمع‌آوری اطلاعات و مطالعات میدانی قراردهیم و اطلاعات مربوط به وضعیت علمی، اجتماعی و فرهنگی و شغلی فارغ‌التحصیلان را جمع‌آوری و تحلیل کنیم به نتیجه‌ای می‌رسیم یعنی، این امر، هویت مدرسه عالی را برای ما روشن می‌کند از هزاران دانش‌آموخته، صدها تن در آموزش عالی کشور به عنوان استاد فعالیت می‌کنند دهها قاضی عالی رتبه کشور از دانش‌آموختگان مدرسه عالی هستند. صدها تن به عنوان کارشناس فرهنگی در نهادها و سازمان‌ها و دفاتر فرهنگی فعالیت می‌کنند. دهها تن در مساجد به عنوان امام جماعت نقش ایفا می‌کنند. صدها تن در حوزه علمیه قم و خراسان برای تکمیل تحصیلات حوزوی خود در حال تحصیل هستند. صدها تن به عنوان معلم در دبیرستانهای کشور فعالیت می‌کنند و عضویت تعداد متنابهی از اعضای جوان مجلس خبرگان از دانش‌آموختگان مدرسه عالی، از هویت متمایز مدرسه عالی شهید مطهری از برخی مدارس علمیه و دانشکده‌های الهیات یا بخش فلسفه دانشکده ادبیات دلالت می‌کند. بایسته است طرح پژوهشی با شیوه مطالعات میدانی از ناحیه پژوهشگران اجتماعی به روش تحقیق علمی انجام پذیرد تا علاوه بر تهیه شناخت نامه دانش‌آموختگان به ثمرات و برکات مدرسه عالی و هویت شناسی آن دست پیدا کنیم.

* با این اوصاف شما از یک موسسه متمایز از حوزه و دانشگاه سخن می‌گوئید؟

فکر می‌کنم از ترکیب و تألیف مزیت‌های حوزه و دانشگاه یک ماهیت متمایز و ممتازی در مدرسه عالی شکل گرفته است که ما از بخش آموزش عالی آن به دانشگاه حوزه‌ای، تعبیر می‌کنیم مطلبی که مقام معظم رهبری در جلسه‌ای که در فروردین سال ۱۳۷۲ محضر ایشان بودیم فرمودند: «هدف شما تربیت مبلغین اسلام و کسانی است که از معرفتی از اسلام دارند و می‌خواهند مفید واقع شوند و این مسئله، حقاً و انصافاً در کنار حوزه‌های علمیه که یک تراز ویژه‌ای از روحانیون را تربیت می‌کنند خیلی خوب است. روحانی تراز حوزه در کنار آنچه فرضاً در بخش‌های علوم انسانی متمایل به امور دینی در دانشگاه‌های ما تربیت می‌شوند، یک روحانی با تراز مخصوص و شکل مخصوصی است؛ مثلاً فلسفه اسلامی و فقه اسلامی که در دانشکده الهیات و یا بخش فلسفی دانشکده ادبیات تدریس می‌شود، دارای تراز است که مورد نظر آنهاست؛ چرا که آنها محصول خاصی را در نظر دارند که نحوه برنامه‌ریزی، تنظیم واحدها، ترم‌بندی، واحدگیری و زمانهای تعطیلی دانشجویان هم بر همان اساس و متناسب با همان تراز است و با متخرج و محصولی که در دانشگاه‌ها مورد نظر است، مطابقت دارد و شاید بی‌وجه هم نباشد که همانی که هم اکنون هست، درست باشد؛ لذا ما باید ببینیم در مدرسه عالی شهید مطهری، چه می‌خواهیم بسازیم. این باید اصل باشد. علی‌القاعده نمی‌خواهیم روحانی تراز حوزه بسازیم؛ به خاطر اینکه در حوزه، نظر اصلی، بلاشک بر فقاقت است. درست است که حوزه در رشته‌های مختلف، ادیب، فیلسوف و حتی زمان‌هایی منجم و هیئت‌دان تربیت می‌کرده؛ اما حوزه‌های شیعه به تربیت فقیه متوجه است؛ لذا می‌بینیم که همه چیز بر اساس این تنظیم شده و درس فقاقت هم آنجا روان تر است و دانشجوی فقاقت هم آنجا آسان تر تحصیل می‌کند تا دانشجوی بقیه رشته‌های دیگر؛ پس این مدرسه، حوزه نیست و ما نمی‌خواهیم در اینجا فقیه به معنای حوزه تربیت کنیم؛ والا جایش حوزه بود و همان درس‌ها، کتاب و شیوه کار باید در اینجا به دنبال می‌شد. بلاشک، تراز دانشگاه هم در اینجا مورد نظر ما نیست؛ چرا که اگر این چنین بود، لازم نبود درس مکاسب و کفایه تدریس شود و شما آقایان علما، فقیه وارد و صاحب نظر را برای تدریس شرح منظومه سبزواری و یا شواهد الربوبیه به اینجا بیاورید. این درس‌ها که بحث‌های تراز دانشگاه نیست؛ پس اینجا یک چیز دیگری است من فکر می‌کنم که در اینجا یک هدف متمایز از آن دو هدف و یک چیز خوبی در ذهن شما هست که شاید تحدید هم شده باشد و من عرض می‌کنم که اگر تحدید نشده، باید دقیقاً بشود و حتی روی کاغذ هم بیاید؛ یعنی ما واقعاً بنویسیم که هدف ما در اینجا این است که چنین محصول و موجودی را بیرون بیاوریم».

من فکر می‌کنم مفهومی که بتواند فرمایش مقام معظم رهبری را در یک عنوان بدست دهد همان دانشگاه حوزه‌ای است.

* شما تراز بخش آموزش عالی مدرسه عالی شهید مطهری را دانشگاه حوزه‌ای دانسته اید اگر بخواهید برای دانشگاه حوزه‌ای جنسی و فصلی تعیین کنید آن را چگونه تعریف می‌کنید؟

دانشگاه حوزه‌ای، دانشگاهی است که در ساختار و نظام برنامه‌ای دانشگاه است ولی غالب محتوا و مواد علمی آن حوزوی است و از نظر فرهنگی و تربیتی به تربیت اسلامی طلاب و دانشجویان ملتزم است و دانش‌آموختگان آن در تبیین، تبلیغ و اجرای آموزه‌های اسلام در جامعه مفید واقع می‌شوند.

* الگوی دانشگاهی حوزه‌ای که شما از آن سخن می‌گوید در ادبیات آموزش عالی و حوزه علمیه شناخته شده است؟

ما در گفتگوها آنقدر این واژه را به کار گرفتیم که اکنون دانشگاه حوزوی مفهوم شناخته شده است در وزارت علوم گروه برنامه‌ریزی این دانشگاه‌ها یک نهاد شناخته شده است که برنامه‌های اختصاصی این دانشگاه را تصویب می‌کند و در شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز کمیته دانشگاه‌های حوزوی، امور این دانشگاه‌ها را در سطح شورای عالی انقلاب فرهنگی را دنبال می‌کند.

* برخی از طلاب و دانشجویان مدرسه عالی گمان می‌کنند که نسبت حوزه و دانشگاه یک مسئله و دغدغه درون مدرسه عالی شهید مطهری که حل نشده است؟

مسئله نسبت دانشگاه و حوزه، یک مسئله کلان و برای همه دانشگاه‌ها حوزوی مطرح است و اصولاً جنبه ملی پیدا کرده است دانشگاه شهید مطهری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دانشگاه امام صادق(ع)، جامعه المصطفی، موسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشگاه مذاهب و دانشگاه علوم قرآن و حدیث و مانند آن، دانشگاه حوزوی تلقی می‌شوند که در هر یک از آنها نسبت حوزه و دانشگاه متناسب با شرایط و مقتضیات و اهدافشان به نحوی طراحی و اجرا شده است.

* الگوی مدرسه عالی شهید مطهری چه تاثیری بر فراگیر شدن این نظام تلفیقی داشته است؟

مدرسه عالی شهید مطهری بر همه این مراکز آموزشی و پژوهشی از جهت طراحی و اجرای نظام تلفیقی، تقدم دارد لذا پیشرو و مرجع، تلقی می‌شود. مدرسه عالی شهید مطهری مبداء جریان بسیار مهم در کشور هستند که هزاران نیروی کیفی انسانی را در سطوح نظریه پرداز و کارشناس برای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تربیت کرده‌اند. از تولیت محترم مدرسه عالی شنیده‌ام که مرحوم آیت الله واعظ طبسی مردد بودند که مدرسه میرزا جعفر و مدرسه خیرات خان که در کنار مضجع شریف حضرت علی بن موسی الرضا(ع) واقع شده‌اند و قریب به چهار سده سابقه دارند را در قالب مدرسه علمیه ادامه بدهند یا نظام جدیدی در آن حاکم کنند که به تربیت نیرو برای نظام بیانجامد. الگوی مدرسه عالی برای ایشان مطرح گردید ایشان سبک مدرسه عالی را دنبال کردند یعنی ضمن حفظ اصالت حوزوی، مدرک رسمی علوم، تحقیقات و فناوری را برای طلاب و دانشجویان آن‌جا با پذیرش نظام آموزش عالی تمهید کردند. بنظرم یکی از برکات مدرسه عالی شهید مطهری، جریان‌سازی در آموزش عالی کشور بوده است یعنی دیگران از این الگو اقتباس کرده‌اند.

*** به نظر شما آیا دانشگاه‌های حوزوی با هم تفاوت دارند؟**

تحقیقاً تفاوت‌هایی بین آنها وجود دارد. به عنوان نمونه مدرسه عالی شهید مطهری و دانشگاه علوم اسلامی رضوی با سابقه و پیشینه دیرینه حوزوی، دانشگاهی را در درون سنت آموزشی حوزوی تاسیس کردند یعنی حوزه بنیان هستند ولی دانشگاه‌هایی چون دانشگاه ادیان و مذاهب دانشگاه امام صادق (ع) از ابتدا، با عنوان دانشگاه و مقررات آموزش عالی تاسیس شده‌اند. یعنی در بستر نهاد و الزامات و سنت‌های دانشگاهی تأسیس شده‌اند البته دانشگاه‌ها در غالب مواد و محتوای دروس نیز اسلامی است.

*** به نظر شما آینده را می‌توان منهای گذشته طراحی کرد؟ یعنی یک مدرسه علمیه سنتی منهای نظام آموزشی دانشگاهی داشته باشیم؟**

عرض کردم همواره نیمی از آینده در گذشته است. گذشته است که نیمی از آینده را می‌سازد. لذا مدرسه عالی شهید مطهری یک نهاد علمی و دینی است که محتوا و سنت‌های حوزوی در قالب نظام‌های آموزشی جدید در آن نهادینه شده است. باید در این بستر هویتی به بازسازی و تکامل ساختارها و کارآمدسازی بیشتر آن اندیشه کرد، آینده‌پژوهی برای چنین مؤسسه‌ای باید مبتنی بر گذشته‌پژوهی باشد. تاریخ نه تنها بهترین منبع شناخت هر پدیده انسانی و اجتماعی است بلکه به ما می‌آموزد که چگونه آینده را بسازیم.

*** فکر نمی‌کنید که این رویکرد به انقلاب در ماهیت می‌انجامد؟ یعنی ماهیت حوزوی آن به تدریج به ماهیت دانشگاهی دگرگون می‌شود؟**

عرض کرده‌ام مبنای مدرسه عالی، محتوا و سنت آموزشی حوزوی است ما در تدوین سرفصل دروس و منابع همه رشته‌ها این محتوا را ملحوظ داشته‌ایم. تا وقتی که به این محتوای حوزوی و مقاصد آموزشی و تربیتی حوزه وفادار باشیم این اتفاق رخ نمی‌دهد. به ویژه اینکه در گزینش داوطلب دقت کنیم که از گرایش حوزوی برخوردار باشد. همانگونه تاکنون اصالت حوزوی آن حفظ شده است. صیانت از اصالت حوزوی با سازوکارایی چون التزام به وقفنامه و متون درسی حوزه و گزینش داوطلبان دارای گرایش حوزوی میسر است. اکنون حوزه علمیه قم و خراسان نیز برنامه‌های آموزشی سطوح چهارگانه ۱، ۲، ۳ و ۴ را از نظر سرفصل دروس و منابع، قالب و صورتبندی آموزشی جدید داده‌اند حتی آنها سرفصل دروس و منابع را در قالب برنامه ترمی درآورده‌اند. اقتضای عصر و زمانه این قالب و صورت را بر آموزش حوزوی نیز تحمیل کرده است. من می‌توانم ادعا کنم وفاداری ما به سنت آموزشی حوزه‌ای به جهت مراقبت و جدیت در اجرای سرفصل دروس و رعایت شانزده هفته در هر ترم تحصیلی، بیشتر از غالب مدارس علمیه کشور است.

*** یکی از اقداماتی که بعد از انقلاب اسلامی برای مدرسه عالی شهید مطهری صورت پذیرفت درخواست عنوان دانشگاه است. در این زمینه چه تلقی دارید؟**

براساس ماده ۳ اساسنامه مصوب مورخ ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی مدرسه عالی برای نیل به اهداف خود اقداماتی بدین شرح با رعایت مقررات آموزشی، پژوهشی و فرهنگی کشور و ضوابط وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و آموزش و پرورش معمول می‌دارد:

۱- ایجاد و اداره دانشکده‌های وابسته.

پس مدرسه عالی می‌تواند دانشکده‌های وابسته تأسیس و اداره کند. تولیت محترم مدرسه عالی در سال ۱۳۸۸ تغییر نام دانشکده‌های وابسته به یک دانشگاه وابسته به نام دانشگاه شهید مطهری را از شورای عالی انقلاب فرهنگی درخواست می‌کند. این درخواست نیز مورد موافقت شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار می‌گیرد. بنابراین دانشگاه ارتقاء دانشکده‌های وابسته است. یعنی دانشگاه از مؤسسات وابسته به مدرسه عالی است. مدرسه عالی به دانشگاه فرو کاسته نشده و هویت مستقل خود را حفظ کرده و نهادهای دیگر چون مدارس علوم و معارف نیز ذیل آن تعریف می‌شود.

*** پس درخواست تغییر نام مدرسه عالی شهید مطهری نبوده است؟**

بله کاملاً درست است. دانشکده‌های وابسته از نظر عنوان به دانشگاه تحول یافت.

تبصره ۲ ماده واحده مصوب جلسه ۶۶۰ مورخ ۸۹/۱/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح می‌کند که به منظور حفظ اثر میراثی و سابقه تاریخی مدرسه عالی شهید مطهری، مسجد و محل کنونی این مدرسه کماکان با نام مدرسه عالی و در چارچوب وقفنامه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بنابراین مدرسه عالی براساس وقفنامه فعالیت علمی و دینی خود را کماکان خواهد داشت بنابراین در آن مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، دانشکده‌ها و واحدهای وابسته به نام دانشگاه، مورد شناسایی حقوقی قرار گرفته است.

*** چرا در آن مقطع زمانی این درخواست مطرح شده است؟**

تصور می‌کنم یکی از مطالبات مهم و مؤکد رهبری معظم انقلاب از مراکز علمی کشور تولید علم به ویژه علوم انسانی اسلامی بوده است. رهبری در مقام ایجاد گفتمان غالب در حوزه‌ها و دانشگاه‌های کشور بودند. تولیت محترم بر این باور بودند که مدرسه عالی می‌تواند با تأسیس رشته‌های مهم علوم انسانی در فرآیند تولید علوم انسانی متناسب با اسلام نقش ایفاء کند. تأسیس رشته‌های علوم انسانی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم ارتباطات در نهاد مدرسه با توجه به الزامات شرعی ناشی از وقفنامه که طلبه موظف به فراگیری روزانه منقول و معقول می‌باشد سازگاری کامل نداشت لذا برای حفظ ماهیت حوزوی مدرسه عالی بر این باور بودند که باید در واحدهای تابعه و دانشکده‌های وابسته این رشته‌ها علاوه بر مفاد علوم انسانی با پیش‌بینی علوم اسلامی در برنامه‌ها طراحی و اجرا شود. و واحدهای تابعه و دانشکده‌های وابسته در قالب عنوان دانشگاه این نقش را ایفاء کنند.

*** تصور می‌کنید که با تأسیس دانشکده‌های علوم انسانی می‌توان به این هدف نایل آمد؟**

البته تولید هر یک از علوم انسانی اسلامی نیازمند به عالمان و اندیشمندان بسیار عمیق و عالم به اسلام و علمی از علوم انسانی است. فرآیند تولید علم انسانی اسلامی در فرض پذیرش امکان آن، کار بسیار دشوار است. نباید ساده انگاری کرد و گمان کرد با تأسیس رشته‌های علوم انسانی یا دانشکده‌های علوم انسانی می‌توان به این هدف دست یافت. کما اینکه با دهها دانشکده علوم انسانی دایر در دانشگاه‌های کشور، اتفاق بزرگی در این زمینه نیفتاده است. به نظرم تأسیس رشته‌های علوم انسانی و دانشکده‌های علوم انسانی در واحدهای تابعه در کوتاه مدت می‌تواند به تربیت عالمانی از علوم انسانی که از تربیت دینی برخوردارند بیانجامد. در دراز مدت با لحاظ شرایطی می‌توان با تربیت عالمان در علوم اسلامی و انسانی به آن هدف رسید.

*** عوامل دیگری نیز در درخواست از شورای عالی انقلاب فرهنگی مؤثر بوده است؟**

بله به نظرم عامل دیگری که در ارایه این درخواست مؤثر بوده است تغییر ذائقه برخی داوطلبان مستعد بوده است چون برای بعضی از دانش‌آموختگان دبیرستانها به عنوان دانشگاه مهم بوده است. ارتقای دانشکده‌های وابسته به دانشگاه می‌توانست این دسته از داوطلبان با استعداد را نیز جذب کند، در حقیقت عنوان دانشگاه این دسته از داوطلبان با استعداد را از نظام و محتوای آموزشی و تربیتی حوزوی برخوردار می‌سازد.

عامل سوم مربوط می‌شود به دانش‌آموختگانی که قصد ادامه تحصیل در دانشگاه‌های خارج از کشور را داشتند و مدارک آنها باید ترجمه می‌شد و در مدرک آنها در ترجمه بجای «shahid Motahari Unversity»، معمولاً واژه‌های دیگری مانند «Shahid Motahari Higher Institute» درج می‌گردید. که آنها را با مشکلاتی در هم تراز می‌رود می‌کرد لذا درج عنوان دانشگاه برای آنها مهم بود.

*** از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید سپاسگزارم. با توجه به اهمیت این مباحث در صورتیکه موافقید برای تکمیل یک نگاه همه جانبه جهت هویت‌شناسی مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری این گفتگو را در جلساتی دیگری ادامه دهیم.**

موافقم سرفصل‌های بسیاری مانند نظام گزینش دانشجو، نسبت و رابطه مدرسه عالی با مدیریت حوزه‌های علمیه قم و خراسان، سرفصل دروس و منابع رشته‌ها، نسبت ساختارهای دانشگاهی با اساسنامه مدرسه عالی، نسبت رشته علوم انسانی با علوم اسلامی در رشته علوم و معارف اسلامی در مقطع آموزش متوسطه دوم، رابطه دبیرستانهای معارف با وزارت آموزش و پرورش و دهها مسئله دیگر که بایسته است اندیشه‌ها و اقدامات چهار دهه در این سلسله گفتگو مطرح شود.